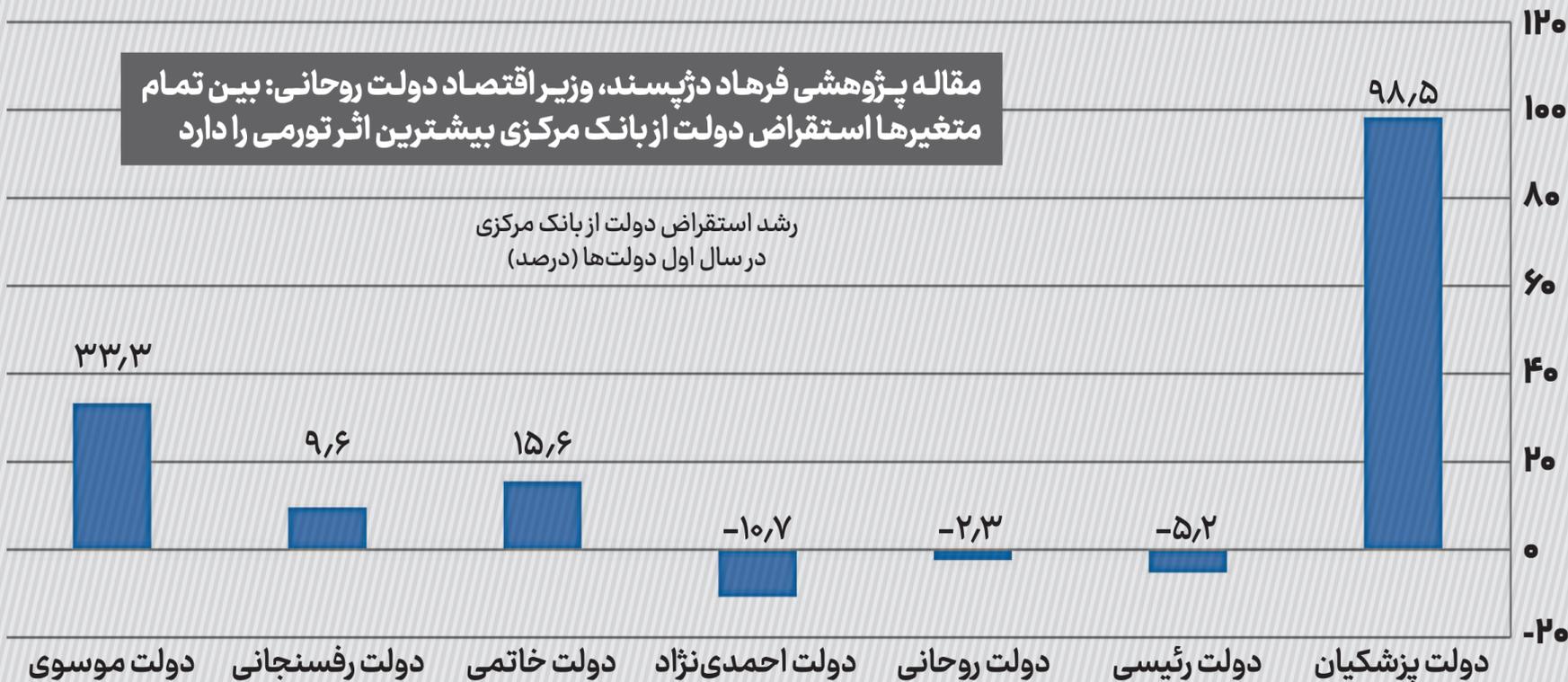


” (۷۲)

دولت پزشکیان در سال اول فعالیتش با رشد ۹۸٫۵ درصدی
بدهی به بانک مرکزی، رکورددار استقراض شد

مقایسه استقراض دولت‌ها از بانک مرکزی

مقاله پژوهشی فرهاد دژپسند، وزیر اقتصاد دولت روحانی: بین تمام
متغیرها استقراض دولت از بانک مرکزی بیشترین اثر تومی را داردرشد استقراض دولت از بانک مرکزی
در سال اول دولت‌ها (درصد)

” (۷۳)

خزانه‌دار کل کشور: پس از سه سال، ناچار شدیم از
تنخواه استفاده کنیم
اعتراف به انضباط پولی و مالی
دولت سیزدهم

رحمت‌الله اکرمی که سال‌ها است مسئولیت خزانه‌داری کل کشور را به عهده دارد، گفت: در ۳ سال متوالی گذشته دولت از تنخواه استفاده نکرده بود، اما امسال پس از ۳ سال مجبور به استفاده از تنخواه شد.

خزانه‌دار کل کشور در گفت‌وگو با خبرنگاری این‌ها از استفاده دوباره دولت از تنخواه خبر داد و گفت: در ۳ سال متوالی گذشته دولت از تنخواه استفاده نکرده بود، اما امسال پس از ۳ سال دوباره مجبور به استفاده از تنخواه شد.

وی ادامه داد: البته برای پرداخت بدهی گندم‌کاران از تنخواه استفاده شد و اگر مسئله گندم‌کاران نبود، از تنخواه استفاده نمی‌کردیم.

خزانه‌دار کل کشور تأکید کرد: باید توجه شود که برای بودجه عمومی و پرداخت حقوق از تنخواه استفاده نکردیم و برای تسویه پول گندم‌کاران هم از رسوب پول استفاده کردیم. اکرمی در دولت گذشته که از تنخواه استفاده نمی‌شد به این‌ها گفته بود که به جای استفاده از تنخواه از ظرفیت قانونی رسوب پول‌های دولتی در بانک مرکزی استفاده و دولت به جای استفاده از ۳ درصد بودجه عمومی در قالب تنخواه، از این ظرفیت قانونی پول‌های رسوب شده در بانک مرکزی استفاده می‌کند.

پیش از این محل تأمین تنخواه خلق پول بود که با این اقدام سه سال است جلوی آن را گرفته‌ایم و برای تنخواه خلق پول نداشتیم.

” (۷۴)

تشییع پیکر
۳۰۰ شهید گمنام
دفاع مقدس در سراسر کشور

مردم سراسر کشور در سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها - روز ملی شهدای گمنام - پیکرهای مطهر ۳۰۰ شهید گمنام دوران دفاع مقدس را تشییع کردند. آحاد مردم شهیدپرور پایتخت نیز به همراه جمعی از مسئولان لشکری و کشوری و خانواده‌های معظم شهدا، پیکر مطهر ۱۰۰ شهید گمنام را از مقابل دانشگاه تهران به سمت معراج شهدا بدرقه کردند.

همزمان با تهران، پیکرهای مطهر ۲۰۰ شهید گمنام دیگر در ۳۱ استان کشور بردوش مردمی که دلشان به یاد شهدا می‌تپد، تشییع شدند.

این آیین با حضور مسئولان لشکری و کشوری، خانواده‌های معظم شهدا و جمعی از مردم شهیدپرور پایتخت از مقابل درب اصلی دانشگاه تهران آغاز شد و پیکرهای پاک شهیدان تا معراج شهدا بدرقه شد.



” (۷۵)

مراسم عزاداری شب شهادت
حضرت فاطمة الزهرا (س)
در حسینیه امام خمینی (ره)

همزمان با شب شهادت حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها سومین شب از مراسم عزاداری در حسینیه امام خمینی (ره) یکشنبه، ۲ آذر ۱۴۰۴ با حضور هزاران نفر از مردم و جمعی از مسئولان از جمله سران سه قوه، برگزار شد.

در این مراسم حجت‌الاسلام والمسلمین ناصر رفیعی سخنانی با موضوع «مدیریت زمان در سیره حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها» بیان کرد و ضمن برشمردن برخی عوامل ضربه‌زننده به مدیریت زمان همچون «بی‌برنامگی»،

«بی‌نظمی»، «نبودن اولویت» و «عجله و شتاب»، گفت: حضرت صدیقه کبری سلام‌الله‌علیها با «نیت و انگیزه الهی»، «اولویت‌بندی» و «استفاده ترکیبی از زمان» توانست در مدت کوتاه عمر پربرکت خود، خدمات فراوان و تأثیرگذاری را تقدیم جامعه اسلامی و خانواده کنند و در راه تبیین، روشنگری و دفاع از ولایت گام‌های مؤثری را بردارند. در این مراسم همچنین آقای میثم مطیعی در سوگ بانوی دو عالم مرثیه‌سرایی و مداحی کرد.



” (۷۶)

پزشکیان:
شرایط اقتصادی برای دولت
و مردم قابل قبول نیست

رئیس‌جمهور در جلسه ستاد تنظیم بازار گفت: شرایط اقتصادی کشور برای دولت و مردم قابل قبول نیست. به گزارش خبرنگاری صداوسیما، پزشکیان در جلسه ستاد تنظیم بازار با بیان اینکه شرایط اقتصادی کشور برای دولت و مردم قابل قبول نیست، گفت:

اجرائی فعلی را اصلاح کنیم، البته راهکارها نباید در جامعه فشار و شوک ایجاد کند، بلکه اصلاح روندها باید با آرامش انجام شود.

رئیس‌جمهور با تأکید بر ضرورت جبران افزایش قیمت کالاهای اساسی از طریق توزیع کالابزرگ گفت: دولت باید به فکر معیشت، مسکن، امنیت، سلامت و آموزش جامعه باشد. دولت نمی‌تواند به کالاهایی که اساسی نیستند یارانه بدهد و در مقابل یارانه دارو ندهد، زیرا معیشت و سلامت مردم به دولت ربط دارد.

در این جلسه گزارشی نیز از آخرین قیمت اجناس مختلف در بازار ارائه شد.

باید صادقانه واقعیت‌ها را به مردم بگوییم که برای حل مشکلات اقتصادی چه راهکارهایی باید اجرائی شود. رئیس‌جمهور در این جلسه که معاون اول رئیس‌جمهور و دیگر اعضای دائم ستاد تنظیم بازار نیز در آن حضور داشتند، با تأکید بر ضرورت دستیابی به راهکارهای عملیاتی برای مقابله با افزایش تورم و گرانی اظهار داشت: در دنیا راهکارهای مختلفی برای کنترل تورم اجرائی شده، بنابراین باید با مطالعات تطبیقی و علمی بررسی شود که کدام راهکارها در این زمینه مؤثرتر بوده است.

پزشکیان با بیان اینکه اقتصاد با دستور اداره نمی‌شود، تصریح کرد: باید با ارائه راهکارهای مناسب، روندهای





تفویض اختیار واردات کالای اساسی به استانداران ترسناک است

هر استان یک مدل

محمد نجارصادقی

کارشناس اقتصاد

مصوبه تازه دولت که اختیار واردات کالاهای اساسی را مستقیماً به استانداران سپرده، مسیری که دهه‌ها سیاست‌گذاری و سامانه‌سازی تجاری را از مدار خارج کرده و تصمیم‌گیری درباره حیاتی‌ترین اقدام معیشتی مردم را از مرکز به استان‌ها برده است؛ تغییری که اگرچه با شعار «تسهیل تأمین» معرفی شده اما در عمل دولت را وارد بازی خطرناکی با بازار ارز، تولید داخل و امنیت غذایی می‌کند.

مصوبه‌ای که دولت در آخرین جلسه هیات‌وزیران تصویب کرده، شبیه یک پیچ‌ناگهانی در جاده‌های ممالود است؛ جایی که فرمان واردات کالاهای اساسی از دست وزارتخانه‌های تخصصی، اتاق بازرگانی، سامانه‌های ارزی و سازوکارهای ملی خارج شده و به‌طور مستقیم در دست استانداران قرار گرفته است. متن رسمی مصوبه صریح است: استانداران می‌توانند برای تأمین کالاهای اساسی از برنج و روغن و حبوبات گرفته تا نهاده‌های تولید مستقیماً ثبت سفارش کنند، مستقیماً واردات انجام دهند و حتی فرآیند توزیع را مدیریت کنند. وزارتخانه‌ها فقط «همراهی» می‌کنند و سامانه‌های ملی از مرکزی بودن خارج می‌شوند. تأمین ارز نیز دیگر از مسیر بانک مرکزی انجام نمی‌شود و واردکننده باید ارز را از بازار آزاد تهیه کند؛ یعنی پذیرفتن عملی دلار بپایه آزاد برای کالاهایی که ستون سفره مردم‌اند.

نخستین پرسش، پرسش صلاحیت است. استانداران در ایران — به‌ویژه در استان‌های مرزی — بر اساس شاخصه‌های امنیتی و سیاسی منصوب می‌شوند، نه بر اساس دانش تجارت خارجی، شبکه‌سازی اقتصادی یا تحلیل بازارهای بین‌المللی. سپردن مدیریت واردات کالاهای اساسی به این ساختار، یعنی نشاندن سیاست به جای اقتصاد، ساختار استانداردی اساساً برای تنظیم روابط خارجی، مدیریت زنجیره تأمین یا سنجش نیاز ملی ساخته نشده است. اکنون همین ساختار باید تشخیص دهد چه کالایی کم است، از کجا وارد شود و یا چه شرایطی توزیع گردد؛ آن هم بدون پشتوانه سامانه‌ای و بدون سقف ثبت سفارش. این یعنی حذف یک نظام کنترل و جایگزینی آن با تصمیم‌گیری محلی، که نه ابزار لازم را دارد و نه پاسخ‌گویی کافی.

ایجاد جدی‌بودی، بی‌محلی آشکار به بخش خصوصی رسمی است. بازرگانانی که سال‌ها صلاحیت آن‌ها در اتاق بازرگانی و انجمن‌های تخصصی احراز شده، اکنون دقیقاً نمی‌دانند قرار است چه جایگاهی داشته باشند. مصوبه هیچ نشانی از الزام همکاری با بازرگانان صاحب صلاحیت ندارد؛ این یعنی استانداران می‌توانند شبکه‌های خود را وارد میدان کنند. چنین وضعیتی خطر تشکیل حلقه‌های رانتی جدید را بالا می‌برد؛ حلقه‌هایی که در بسیاری از استان‌ها سابقه دخالت در تأمین مالی جریان‌های سیاسی محلی را دارند. حذف سازوکارهای ملی و جایگزینی آن‌ها با مناسبات استانی، نه فقط خطرناک که به‌نوعی اعلام رسمی انتصاب «بازرگانان استانداردی مجرور» است.

در کنار این چالش‌ها، حذف سقف ثبت سفارش و نبود هماهنگی ملی، زمینه‌ساز رفتارهای هیجانی است. اگر همه استان‌ها یک کالا را سودآور تشخیص دهند و به سمت واردات روغنی یا گوشت حرکت کنند، چه سازوکاری مانع این هجوم می‌شود؟ اگر همه از واردات کالایی کم‌سود اما ضروری صرف‌نظر کنند، چه کسی کمبود را جبران می‌کند؟ این مصوبه عملاً تزیم همکاری تجارت خارجی کشور را از کار می‌اندازد و تصمیم‌گیری را از سطح کلان به سطح محلی تنزل می‌دهد؛ تزلزی که می‌تواند زنجیره تأمین کالاهای اساسی را دچار نوسان، کمبود منطقه‌ای و موازی‌بودی ایجاد کند.

اما تبعات اصلی، به بازار ارز می‌رسد. وقتی دولت تأمین ارز وارداتی را از مسیر بانک مرکزی حذف می‌کند، معنای اقتصادی آن روشن است: واردکننده باید ارز را از بازار غیررسمی تهیه کند. این یعنی یک موج تازه تقاضا در بازاری که همین حالا پرتنش است. از سوی دیگر، دولت عملاً نرخ آزاد — دلار سه هزار تومانی و بالاتر — به عنوان نرخ رسمی واردات کالاهای اساسی به رسمیت می‌شناسد. فرض اینکه این پیام به بازار منتقل نشود، ساده‌لوحانه است. کالاهای وارداتی با قیمت بالاتر وارد می‌شوند، توزیع با هزینه بالاتر انجام می‌شود و قیمت نهایی در فروشگاه‌ها بالا می‌نشیند. این اثر در آستانه زمستان، نه یک تهدید کوچک که یک هشدار واقعی است.

مصوبه همچنین سال‌ها هزینه و انرژی برای ساخت سامانه‌های تجاری کشور را بی‌اثر می‌کند. سامانه جامع تجارت، سامانه انبارها، سامانه‌های ارزی و ده‌ها زیرساخت دیجیتال که با هدف شفاف‌سازی و نظارت ساخته شده بودند، حالا با یک امضا کنار گذاشته می‌شوند. اگر این سامانه‌ها تا کارآمد بودند، چرا اصلاح نشده‌اند؟ اگر کارآمد بودند، چرا حذف می‌شوند؟ این عقب‌گرد ناگهانی در حکمرانی داده، بیش از آن که نشانه اصلاح باشد، نشانه غیبت تحلیل و شتاب‌زدگی است. انتخاب آزاد استانداران برای واردات کالاهایی که در داخل تولید می‌شوند، مسئله دیگری است که مستقیماً تولید ملی را تهدید می‌کند. واردات گسترده برنج، روغن، حبوبات و گوشت قرمز، آن هم بدون محدودیت روشن، سیاستی است که می‌تواند تولیدکنندگان داخلی را با شوک روبه‌رو کند و سرمایه‌گذاری‌های سال‌های اخیر را بی‌نتیجه بگذارد. چنین تغییری در سیاست، امنیت غذایی کشور را به جای تقویت، آسیب‌پذیرتر می‌کند.

در این میان، موضوع کیفیت کالا نیز در حاشیه مانده است. هرچند مصوبه به لزوم رعایت استانداردها اشاره کرده اما حذف سازوکار سامانه‌ای و سپردن کار به سطح استانی، کنترل کیفیت را از حالت ساختاری و قابل‌ردیابی خارج می‌کند. در چنین فضایی، ورود کالایی بی‌کیفیت نه یک استثنا که یک خطر دائمی است؛ به‌ویژه وقتی این کالا در زنجیره تولید یا سفره مردم مصرف می‌شود. در مجموع، آنچه دولت «تسهیل تأمین کالاهای اساسی» خوانده، در واقع یک جابه‌جایی بزرگ مسئولیت‌هاست؛ جابه‌جایی که قواعد تثبیت‌شده تجارت خارجی را تغییر می‌دهد، بخش خصوصی را کنار می‌زند، بار جدیدی بر بازار ازی می‌گذارد و توازن شکننده تولید و مصرف را تهدید می‌کند. اگر پشت این تصمیم، شرایطی اضطراری، محدودیت ژئوپلیتیک یا فشارهای بیرونی وجود دارد، دولت باید صریحاً توضیح دهد و اگر چنین نیست، این مصوبه می‌تواند یکی از پرهزینه‌ترین اشتباهات اقتصادی سال‌های اخیر باشد.

بازار کالاهای اساسی همیشه حساس‌ترین بخش اقتصاد ایران بوده؛ بازاری که کوچک‌ترین اختلال در آن، مستقیماً به زندگی مردم می‌رسد. فرمان واردات حالا در دست استانداران است اما مسئولیت پیامد‌های آن، تماماً بر عهده دولت خواهد بود.



مقایسه استقراض دولت‌ها از بانک مرکزی

دولت پزشکیان در سال اول فعالیتش با رشد ۹۸٫۵ درصدی بدهی به بانک مرکزی رکورددار استقراض شد

مقاله پژوهشی فرهاد دژپسند، وزیر اقتصاد دولت روحانی: بین تمام متغیرها استقراض دولت از بانک مرکزی بیشترین اثر تومری را دارد

گزارش

بر اساس آمارهای رسمی، در یک سال نخست دولت‌های پس

از انقلاب، از لحاظ شاخص بدهی دولت به بانک مرکزی که در اصطلاح

رایج به آن استقراض دولت از بانک مرکزی گفته می‌شود، دولت

مسعود پزشکیان رکورددار بیشترین رشد بدهی است.

طبق این آمار، در یک سال نخست دولت چهاردهم بدهی دولت به

بانک مرکزی ۹۸٫۵ درصد رشد کرده است. در مردادماه سال گذشته

و در پایان دولت شهید رئیسی، بدهی دولت به بانک مرکزی ۳۳۲

هزار میلیارد تومان بود که در مردادماه امسال به ۶۰ هزار میلیارد

تومان افزایش پیدا کرده است.

این در حالی است که اگر رشد بدهی دولت به بانک مرکزی در سال

نخست دولت‌های پس از انقلاب را بررسی کنیم مشخص می‌شود

تا پیش از این، بیشترین رشد بدهی مربوط به دولت میرحسین

موسوی بود که در آبان ۱۳۶۰ مشغول به کار شد. در سال نخست دولت

موسوی بدهی دولت به بانک مرکزی حدود ۲۳ درصد بیشتر شد.

اکنون اما با عملکرد دولت پزشکیان، دولت موسوی به رتبه دوم رفته

است. رتبه سوم هم تصویب دولت محمد خاتمی می‌شود که در سال

نخستش بیش از ۱۵ درصد بردهی به بانک مرکزی اضافه کرد. دولت

رفسنجانی هم با رشد ۹٫۶ درصدی در رتبه بعدی قرار گرفته است.

اما سه دولت احمدی‌نژاد، روحانی و شهید رئیسی در سال اول

فعالیتشان نسبت به استقراض از بانک مرکزی اقدام نکردند و

حتی بخشی از بدهی‌های قبلی را هم تسویه کردند به همین دلیل

رشد بدهی دولت به بانک مرکزی در آن مقاطع، منفی شد.

طبق این آمار در سال نخست دولت احمدی‌نژاد بدهی به بانک

مرکزی بیش از ۱۰ درصد کمتر شد و آن دولت موفق‌ترین کابینه از

لحاظ مدیریت بودجه بودجه و عدم استقراض از بانک مرکزی

محسوب می‌شود. دولت شهید رئیسی هم توانست در سال اول

فعالیتش بدهی به بانک مرکزی را بیش از ۵ درصد کم کند. دولت

روحانی هم در مقطع سال اول فعالیتش بدهی به بانک مرکزی را

۲ درصد کم کرده بود. البته دولت روحانی در ادامه کار نتوانست آن

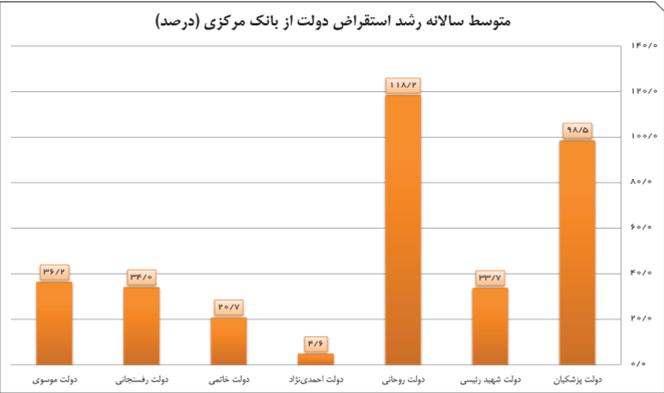
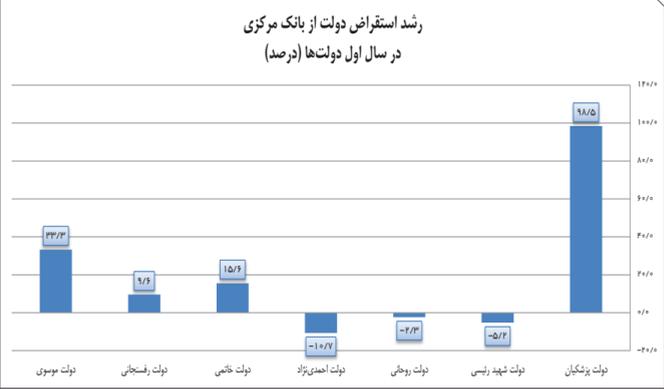
انضباط پولی را حفظ کند و طی ۸ سال مجموعاً استقراض از بانک

مرکزی را بیش از ۱۰ برابر کرد؛ اما دولت‌های احمدی‌نژاد و شهید رئیسی

در طول فعالیت خود نتوانستند استقراض از بانک مرکزی را همچون

سال اول مدیریت کنند. اگر متوسط سالانه افزایش بدهی دولت به

بانک مرکزی در طول فعالیت دولت‌ها را مقایسه کنیم، دولت روحانی



همچنان رتبه اول بیشترین استقراض از بانک مرکزی را دارد چراکه

در طول ۸ سال استقراض دولت از بانک مرکزی حدود ۹۶٫۶ درصد

بیشتر شد که متوسط سالانه آن ۱۱۸ درصد می‌شود.

یکی از اقدامات مهم و اساسی در دولت سیزدهم، پایدارسازی منابع

بودجه عمومی بود؛ یعنی دولت سیزدهم تلاش کرد به جای استقراض،

بر قدرت جدید به اقتصاد است. این اقدام تأثیر مستقیمی بر افزایش پایه پولی داشته‌وا و ناخالص فراینده پولی، منجر به رشد شتابان حجم نقدینگی می‌شود. رشد نقدینگی در نهایت، با وقفه زمانی، فشار تورمی بیشتری را بر دوش اقتصاد و خانوارها قرار خواهد داد. به نظری می‌رسد دولت برای مدیریت کسری بودجه خود، ناگزیر به استفاده از منابع بانک بوده که پیامدهای تومری آن در ماه‌های آینده قابل انتظار است.

نگاه‌کادامیک به استقراض دولت از بانک مرکزی

بیشتر اقتصاددانان با استقراض از بانک مرکزی مخالف هستند، مگر در شرایط خاص و موقت. این روش، یکی از سریع‌ترین عوامل ایجاد تورم افسارگسیخته (Hyperinflation) است. استقراض از بانک مرکزی اگرچه در کوتاه‌مدت ممکن است مشکلات مالی دولت یا بانک‌ها را حل کند، اما در بلندمدت باعث افزایش نقدینگی، رشد تورم، کاهش ارزش پول ملی و بی‌ثباتی اقتصاد می‌شود. راهکارهای جایگزین مثل اصلاح ساختار مالی دولت، جذب سرمایه‌گذاری و گسترش پایه مالیاتی، روش‌های سالم‌تری برای تأمین منابع مالی هستند.

معایب ومخاطرات استقراض از بانک مرکزی

۱-تورم: تزریق پول بدون پشتوانه به اقتصاد می‌تواند منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها شود.

۲-کاهش ارزش پول ملی: افزایش عرضه پول ممکن است باعث کاهش ارزش پول ملی در برابر ارزهای خارجی گردد.

۳-ایجاد وابستگی: تکرار این روش می‌تواند دولت را به آن وابسته کرده و انضباط مالی را تضعیف نماید.

۴-کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران: استقراض بیش از حد از بانک مرکزی می‌تواند نشانه ضعف مالی دولت تلقی شده و اعتماد سرمایه‌گذاران را کاهش دهد.

۵-توزیع ناعادلانه منابع: ممکن است منابع به بخش‌های مولد اقتصادی تخصیص نیابد و در عوض صرف هزینه‌های جاری شود.

۶-کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران: استقراض بیش از حد از بانک مرکزی می‌تواند نشانه ضعف مالی دولت تلقی شده و اعتماد سرمایه‌گذاران را کاهش دهد.

۷-افزایش پایه پولی (پول پر قدرت): پایه پولی، منشأ اصلی رشد نقدینگی در کشور است. هر زمان بانک مرکزی پول جدیدی خلق کند، این پایه افزایش می‌یابد.

۸-بی‌ثباتی اقتصادی: استقراض مکرر از بانک مرکزی باعث بی‌اعتمادی به پول ملی، کاهش ارزش ریال و فرار سرمایه‌به می‌شود.

مقاله وزیر اقتصاد دولت روحانی درباره معایب استقراض از بانک مرکزی

فرهاد دژپسند که در دولت دوازدهم وزیر اقتصاد بود، پاییز ۱۴۰۳ مقاله‌ای با عنوان «آثار تومری جبران‌کسری بودجه به‌وسیله استقراض از بانک مرکزی» منتشر کرد.

در مقاله دژپسند آمده است: در طول دهه‌های گذشته همواره یکی از چالش‌های پیش‌روی دولت‌ها، بحث کسری بودجه بوده است.

کسری بودجه عملیاتی به معنای مازاد هزینه‌ها نسبت به درآمدهای دولت در طول یک دوره مالی می‌باشد. زمانی که دولت با مشکل کسری بودجه مواجه است باید آن را به‌طرقی تأمین مالی کند؛

بنابراین شناسایی آثار و تبعات هر کدام از شیوه‌های تأمین مالی کسری بودجه بر متغیرهای کلان اقتصادی برای سیاست‌گذاران

اقتصادی کشور حائز اهمیت می‌باشد.

استقراض دولت از بانک مرکزی بر روی نقدینگی تأثیر معنادار داشته و در افزایش آن اثرگذار بوده است. از آنجا که نقدینگی تأثیر مثبتی بر افزایش تورم داشته، در نتیجه تأمین مالی از طریق استقراض از بانک مرکزی با افزایش نقدینگی اثرهای تومری به‌بار آورده است.

در ایران بررسی‌ها نشان دهنده این است که کسری بودجه به بعد از انقلاب، اغلب از طریق استقراض از بانک مرکزی و خلق پول تأمین شده که پیامد آن افزایش پایه پولی، نقدینگی و رشد تورم بوده است.

داده‌های دوره زمانی (۱۳۷۱ تا ۱۳۹۰) نشان می‌دهد افزایش یک‌درصدی در کسری بودجه دولت که با استقراض از بانک مرکزی تأمین شده

باشد، باعث افزایش ۰٫۱۲ درصدی در تورم می‌شود.

استقراض دولت از بانک مرکزی تأثیر قابل‌توجهی بر روی نقدینگی دارد و ضرب آن حدود ۰٫۲۷ می‌باشد. همچنین شاخص قیمت مصرف‌کننده هم ارتباط مثبت با نقدینگی دارد که ضریب آن ۰٫۵۷

درصد است. در نتیجه تأمین مالی کسری بودجه به‌وسیله استقراض از بانک مرکزی از طریق افزایش نقدینگی بر روی تورم اثرگذار بوده و باعث رشد آن شده است.

در نتیجه طبق این پژوهش، جبران کسری بودجه از طریق استقراض مستقیم دولت از بانک مرکزی باعث افزایش نقدینگی و سپس رشد تورم می‌شود.

بین تمامی متغیرها استقراض دولت از بانک مرکزی دارای بیشترین تأثیر بر افزایش نقدینگی است.

انجماد نقدینگی پرداخت می‌شوند، خود به اصل سپرده‌ها اضافه شده و حجم کل نقدینگی (۱۳۲) را به صورت خودکار افزایش می‌دهند. این رشد درون‌زا، به این معنی است که نقدینگی در سال آینده یک کف رشد تثبیت کرده و بدون احتساب اثر استقراض دولت یا اضافه‌برداشت بانک‌ها، همچنان رشد بالایی خواهد داشت.

این امر، عملاً هدف گذاری رشد ۲۵ درصدی بانک مرکزی و هدف کمی ۱۳٫۸ درصدی برنامه هفتم پیشرفت برای سال ۱۴۰۷ را دست‌نخورده خواهد کرد.

اقتصاد ایران در یک تله سه‌گانه گرفتار شده است و مسأله مالی، تورم را دیکته می‌کند، «رقابت کاذب با بازار نرخ بهره بالا، با تعدد تومری قطعی و اجباری برای آینده ایجاد کرده و هم‌زمان باعث تشدید ناترازی بانک‌ها و اضافه‌برداشت آن‌ها خواهد شد» و «ادامه شرایط انقباض پولی به کمبود شدید اعتبار برای بخش تولید اقتصادی منتهی می‌شود. این در حالی است که نرخ تورم به شکل مستقل از محل افزایش نرخ ارز هم تحت فشار قرار دارد. خروج از این تله، نه‌باتمركززبرابزارهای پولی و نرخ بهره، بلکه با توقف فوری و کامل سلطه مالی دولت بر بانک مرکزی و اصلاح ریشه‌ای کسری بودجه میسر است.

تازه‌های این اقدام حیاتی انجام نشود، فتر فرشته درآمدهای آتی (از محل سود سپرده‌ها و اوراق) و تقاضای مضاعف نقدینگی خواهی ناشی از تورم گذشته، به زودی رها شده و مسیر کنترل نرخ ارز و تورم را با چالش بیشتری مواجه خواهد کرد.



که کمترین رکورد از پاییز سال ۱۴۰۱ محسوب می‌شود.

بانک مرکزی با این سیاست نتوانسته تا سرعت گردش پول را کاهش داده و نقدینگی را در سپرده‌های سوده پارک کند تا جلوی هجوم آن به بازارهای دارایی را بگیرد.

اقتصاد منتهی می‌شود. این در حالی است که نرخ تورم به شکل مستقل از محل افزایش نرخ ارز هم تحت فشار قرار دارد. خروج از این تله، نه‌باتمركززبرابزارهای پولی و نرخ بهره، بلکه با توقف فوری و کامل سلطه مالی دولت بر بانک مرکزی و اصلاح ریشه‌ای کسری بودجه میسر است.

تازه‌های این اقدام حیاتی انجام نشود، فتر فرشته درآمدهای آتی (از محل سود سپرده‌ها و اوراق) و تقاضای مضاعف نقدینگی خواهی ناشی از تورم گذشته، به زودی رها شده و مسیر کنترل نرخ ارز و تورم را با چالش بیشتری مواجه خواهد کرد.

از تورم را با چالش بیشتری مواجه خواهد کرد.

از تورم را با چالش بیشتری مواجه خواهد کرد.

از تورم را با چالش بیشتری مواجه خواهد کرد.

از تورم را با چالش بیشتری مواجه خواهد کرد.

از تورم را با چالش بیشتری مواجه خواهد کرد.

از منابع سالم درآمدی، بودجه خود را تأمین می‌کند تا کسری بودجه موجب افزایش تورم نشود.

خبرگزاری فارس هم در این باره هشدار داده و نوشته است: کارشناسان اقتصادی هشدار می‌دهند که ادامه روند فعلی تأمین مالی دولت از طریق بانک مرکزی (استقراض مستقیم)، به معنای تزریق پول

به بخش‌های غیرمولد و تورم‌زا خواهد بود.

این اقدامات مهم و اساسی در دولت سیزدهم، پایدارسازی منابع بودجه عمومی بود؛ یعنی دولت سیزدهم تلاش کرد به جای استقراض،

بودجه عمومی بود؛ یعنی دولت سیزدهم تلاش کرد به جای استقراض،

بودجه عمومی بود؛ یعنی دولت سیزدهم تلاش کرد به جای استقراض،

بودجه عمومی بود؛ یعنی دولت سیزدهم تلاش کرد به جای استقراض،

بودجه عمومی بود؛ یعنی دولت سیزدهم تلاش کرد به جای استقراض،

بودجه عمومی بود؛ یعنی دولت سیزدهم تلاش کرد به جای استقراض،

بودجه عمومی بود؛ یعنی دولت سیزدهم تلاش کرد به جای استقراض،

بودجه عمومی بود؛ یعنی دولت سیزدهم تلاش کرد به جای استقراض،

بودجه عمومی بود؛ یعنی دولت سیزدهم تلاش کرد به جای استقراض،

بودجه عمومی بود؛ یعنی دولت سیزدهم تلاش کرد به جای استقراض،

بودجه عمومی بود؛ یعنی دولت سیزدهم تلاش کرد به جای استقراض،

بودجه عمومی بود؛ یعنی دولت سیزدهم تلاش کرد به جای استقراض،

بودجه عمومی بود؛ یعنی دولت سیزدهم تلاش کرد به جای استقراض،

بودجه عمومی بود؛ یعنی دولت سیزدهم تلاش کرد به جای استقراض،

بودجه عمومی بود؛ یعنی دولت سیزدهم تلاش کرد به جای استقراض،

بودجه عمومی بود؛ یعنی دولت سیزدهم تلاش کرد به جای استقراض،

بودجه عمومی بود؛ یعنی دولت سیزدهم تلاش کرد به جای استقراض،

بودجه عمومی بود؛ یعنی دولت سیزدهم تلاش کرد به جای استقراض،



پارادوکس مالیاتی ایران؛ از فرار بزرگان تا فشار بر خرده‌ها

گزارش

محمد طاهر رحیمی

پژوهشگر اقتصادی

در ادبیات اقتصاد توسعه، مالیات فقط ابزاری برای برکردن خزانه دولت و پرداخت حقوق کارمندان نیست، بلکه مهم‌ترین اهرم حاکمیت برای تنظیم‌گری اقتصادی، بازتوزیع ثروت و جهت‌دهی به سرمایه‌گذاری‌هاست. یک نظام مالیاتی کارآمد، خون‌رادرگ‌های اقتصاد به جریان می‌اندازد اما یک نظام معیوب می‌تواند خود به بزرگ‌ترین مانع تولید و عدالت تبدیل شود.

اقتصاد ایران سال‌هاست با یک پارادوکس عجیب دست و پنجه نرم می‌کند: قوانین بروزی کاغذ سخت‌گیرانه و شفاف به نظر می‌رسند اما در واقعیت، پار اصلی مالیات بر دروش کسانی است که کمترین توان را دارند، در حالی‌که غول‌های اقتصادی از حاشیه‌امن معافیت‌ها لذت می‌برند. این یادداشت به بررسی ساختار فعلی، آسیب‌شناسی نابرابری موجود و در نهایت ارائه یک راهکار عملیاتی برای تبدیل تهدید معافیت‌های بی‌هدف به فرصت توسعه صنعتی می‌پردازد.

برده‌اول: ویتترین قانونی؛ اعداد چه گویند؟

اگر فقط به متن قانون تکیه کنیم، نظام مالیاتی ایران منطقی و دسته‌بندی‌شده به نظر می‌رسد. نرخ‌های قانونی مشخصی وجود دارد که براساس نوع فعالیت شرکت‌ها تعیین شده است:

نرخ پایه (۲۵ درصد): مطابق ماده ۱۰۵ قانون مالیات‌های مستقیم، نرخ استاندارد مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی ۲۵ درصد از سود خالص



سفره مردم گرفتار در واردات انحصاری کالای اساسی وانحصار در مبادی نهاده

دبیر کمیسیون اقتصادی مجلس انحصار در مبادی واردات کالا‌های اساسی را یکی از چالش‌های کنونی امنیت غذایی دانست و گفت: تنوع بخشی به واردکنندگان کالای اساسی و نهاده هم ضروری است، در حال حاضر چند واردکننده محدود سهم بالایی در بازار نهاده دارند و این سهم در سال گذشته دوباره افزایش یافته است.

میثم ظهوریان، دبیر کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی به ارزیابی عملکرد تیم اقتصادی دولت پرداخت و اظهار داشت: نمی‌توان از اهمیت تیم اقتصادی دولت چشم‌پوشی کرد، در حال حاضر، تیم اقتصادی دولت چه در زمانی که همتی وزیر اقتصاد بود و چه در شرایط فعلی، منسجم نیست.

وی افزود: یکی از مشکلات اساسی این است که سیاست‌ها به صورت هماهنگ اجرا نمی‌شوند و اعضای تیم باید دیگر انسجام لازم را ندرند. برای مثال اختلافاتی بین همتی و بانک مرکزی و همچنین مدنی زاده با بانک مرکزی وجود داشته و دارد.

وی افزود: با توجه به شاخص‌های اقتصاد، این عدم انسجام موجب شده عملکرد تیم اقتصادی دولت مثبت ارزیابی نشود، تورم به ویژه تورم مواد غذایی در حال افزایش است و رشد اقتصادی کاهش یافته است. البته این مسائل فقط به وزیر اقتصاد یا بانک مرکزی مربوط نمی‌شود و سایر بخش‌ها، مانند جهاد کشاورزی و وزارت صمت نیز در آن دخیل هستند اما در مجموع، هم تیم غیرمستقیم است و هم خروجی عملکرد اقتصادی مدیران دولت، نامطلوب است.

دبیر کمیسیون اقتصادی به موانع تخصیص ارز واردات نهاده‌های دامی اشاره کرد و گفت: در جلسه اخیر با وزیر جهاد یادآور شد‌م که یکی از مسائل اساسی ما انحصار در مبادی واردات کالا‌های اساسی است. واردات عمدتاً از کشورهای غربی و تحت تحریم انجام می‌شود که با منابع ما سازگار نیست، بنابراین تنوع بخشی به مبادی واردات اهمیت زیادی دارد.

وی تأکید کرد: از سوی دیگر تنوع بخشی به واردکنندگان یا بازیگران این حوزه نیز ضروری است، زیرا در حال حاضر چند واردکننده محدود سهم بالایی در بازار نهاده دارند و با وجود تأکید رهبر انقلاب، این سهم از سال گذشته دوباره افزایش یافته است. رفع انحصار یکی از مسائل مهم در حوزه واردات کالای اساسی است.

وی تأکید کرد: پس از این موارد باید به موضوعات دیگر مانند اصلاح سامانه‌ها رسیدگی کرد؛ استفاده از ربات‌ها و خالی‌فروشی در سامانه بازار‌ها، مشکلات زیادی را در تأمین نهاده برای دامدار ایجاد کرده است که باید به فوریت از سوی دولت رسیدگی شود.

ورود کالا‌های اساسی بازار آزاد؟

هیات وزیران در جلسه ۲۱آبان ۱۴۰۴ مصوبه‌ای را تصویب کرد که براساس آن واردات کالا‌های اساسی از طریق استان‌های مرزی بدون انتقال از مجاز می‌شود؛ تصمیمی که به گفته کارشناسان می‌تواند آثار مستقیم بر قیمت‌ها در بازار داخلی داشته باشد.

به گزارش تسنیم اخیراً هیات وزیران در جلسه مورخ ۲۱آبان ۱۴۰۴ و بنا به پیشنهاد مشترک سازمان برنامه و بودجه کشور، وزارت کشور، وزارت جهاد کشاورزی و بنادک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی، مصوبه مهمی را در راستای استفاده از ظرفیت استان‌های مرزی برای تأمین کالا‌های اساسی کشور و تنظیم بازار داخلی به تصویب رساند. براساس این مصوبه، ورود کالا‌های اساسی مورد نیاز کشور از جمله برنج، روغن نباتی، حیوانات، گوشت قرمز، جو، ذرت و کتجاله از طریق استان‌های مرزی بدون انتقال از مجاز اعلام شده است. در متن مصوبه، این اقلام تحت عنوان «کالا‌های اساسی» تعریف شده‌اند.

نگرانی برخی کارشناسان درباره بنداول مصوبه

با وجود تأکید دولت بر تسهیل واردات و تأمین پایدار کالا‌های اساسی، برخی کارشناسان اقتصادی نسبت به بند نخست این مصوبه ابراز نگرانی کرده‌اند؛ بندی که اجازه می‌دهد واردات کالا‌های اساسی بدون انتقال ارز انجام شود.

«بدون انتقال ارز به این معناست که واردکننده ملزم به ارائه منشأ ارز در مسیرهای رسمی نبوده و می‌تواند ارز مورد نیاز خود را از هر محل، از جمله بازار آزاد، تهیه کند. در همین راستا یک عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگویی رسانه‌ای در توضیح این مسئله اظهار داشت: وقتی منشأ ارز مشخص نباشد، واردکننده ناچار است با اعتباری وارد کند یا ارز را بازار آزاد تهیه کند. معنای این اقدام، خروج سازوکار رسمی نظارت بر منشأ ارز است و این موضوع می‌تواند زمینه افزایش هزینه تمام‌شده کالا‌های اساسی را فراهم کند.

این کارشناس همچنین هشدار داد که در صورت تأمین ارز با نرخ آزاد برای واردات کالا‌های اساسی، احتمال افزایش قابل توجه قیمت این کالا‌ها در بازار داخلی دور از انتظار نیست. وی شائبه‌هایی درباره سازوکار نظارتی نیز مطرح کرد و افزود: هیچ واردکننده‌ای حاضر نیست ارز ۱۱۰ هزار تومانی بازار آزاد را برای واردات کالای اساسی هزینه کند، مگر اینکه قیمت نهایی در بازار داخلی با جهش روبه‌رو شود. چنین روندی اگر کنترل نشود، می‌تواند بر قیمت اقلام پر مصرف خانوارها اثر مستقیم بگذارد. در مقابل این دغدغه‌ها، سخنگوی دولت پیش‌تر اعلام کرده بود که سازوکارهای نظارتی لازم برای جلوگیری از سوءاستفاده و برای کنترل قیمت‌ها پیش‌بینی شده و هدف اصلی این مصوبه، تسریع در تأمین کالا، کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل، استفاده از ظرفیت مرزها و جلوگیری از کمبود در بازار داخلی است.

مصوبه جدید دولت درباره واردات بدون انتقال ارز، در حالی برای تسهیل تأمین کالا‌های اساسی اجرا خواهد شد که بخشی از کارشناسان خواستار شفاف‌سازی بیشتر درباره نحوه تأمین ارز، شیوه نظارت بر قیمت‌گذاری و سازوکار کنترل بازار شده‌اند. باید دید با آغاز اجرای این مصوبه، تأثیر آن بر بازار کالا‌های اساسی، قیمت مصرف‌کننده و ثبات عرضه چگونه خواهد بود.

آن‌هاست. این نرخ‌ی است که اکثر کسب‌وکارهای خدماتی و بازرگانی با آن مواجه هستند. حمایت از تولید (۱۸ درصد): با توجه به شرایط رکودی و تورمی و لزوم حمایت از بخش واقعی اقتصاد، در قانون بودجه سال ۱۴۰۲، نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌های تولیدی دارای پروانه بهره‌برداری از ۷ تا واحد درصد کاهش، به ۱۸ درصد رسید. بخش تعاون (۱۸.۷۵ درصد): شرکت‌های تعاونی نیز به دلیل ماهیت اجتماعی و مردمی خود، از تخفیف‌های مالیاتی برخوردارند که نرخ مؤثر آن‌ها به حدود ۱۸.۷۵ درصد می‌رساند. این اعداد بروی کاغذ نشان‌دهنده یک سیستم حمایتی از تولید است اما زمانی که به لایه‌های زیرین و آمار‌های واقعی عملکرد نگاه‌می‌کنیم، تصویر دگرگون می‌شود.

برده دوم: واقعیت تلخ: نابرابری معکوس

آمار‌ها حقیقت تلکان‌دهنده‌ای را فاش می‌کنند و آن «نابرابری مالیاتی، مانع شکل‌گیری رونق پایدار در اقتصاد ایران است.»

در حالی‌که نرخ قانونی ۲۵ درصد است، داده‌های رسمی نشان می‌دهد که متوسط نرخ مؤثر پرداختی برخی از بزرگ‌ترین و پرسودترین شرکت‌های ایران (غلب در حوزه‌های خام‌فروشی و صنایع مادر)، در مجموع فقط حدود ۷ درصد از سود خود را به سازمان امور مالیاتی پرداخت می‌کنند. این شکاف ۱۸ درصدی (تفاوت بین ۲۵ درصد قانونی و ۷ درصد پرداختی) ناشی از چیست؟ پاسخ در شبکه درهم‌تنیده‌ای از «معافیت‌های مالیاتی گسترده»، «اعتبارات مالیاتی خاص» و «لابی‌گری برای فرار قانونی» نهفته است. نکته ترازیک ماجرا اینجاست که رفتار مالیاتی شرکت‌ها در ایران، با اندازه آن‌ها رابطه‌ای معکوس پیدا کرده است: «در نظام مالیاتی ایران، هرچه شرکت کوچک‌تر و آسیب‌پذیرتر باشد، بار مالیاتی سنگین‌تری را نسبت به توانش تحمل می‌کند و هرچه شرکت بزرگ‌تر باشد، از چتر

حمایتی معافیت‌های بیشتری برخوردار است.»

بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEها) که موتور اشتغال‌زایی کشور هستند، دقیق‌ترین حساسی‌ری‌ها را پس می‌دهند و کمترین راه فرار را دارند اما غول‌های صنعتی خام‌و نیمه‌خام فروش و صنایع بزرگ، با استفاده از «معافیت‌های صادراتی و منطقه‌ای»، عملاً سهم ناچیزی در تأمین بودجه عمومی دارند.

برده سوم: پیامدهای ویرانگر نابرابری

این ساختار نامتوازن، فقط یکی بی‌عدالتی در حسابداری نیست، بلکه اثرات مخرب کلان اقتصادی به همراه دارد:

تضعیف عدالت اقتصادی: زمانی که یک کارگاه کوچک تولیدی مجبور به پرداخت مالیات کامل است اما یک تولیدکن پتروشیمی با سوده‌های میلیاردی معاف می‌شود، احساس بی‌عدالتی، اعتماد عمومی و انگیزه فعالیت سالم را از بین می‌برد. کشتن رقابت سالم: شرکت‌های بزرگ با تکیه بر برانت معافیت مالیاتی، حاشیه سود خود را به صورت مصنوعی بالا نگه می‌دارند. در چنین فضایی، شرکت‌های نوپا و خصوصی واقعی توان رقابت ندارند و از بازار حذف می‌شوند. اختلال در سرمایه‌گذاری مولد: سرمایه‌هوشمندان است. وقتی سود در فعالیت‌های معاف از مالیات (اغلب

خام‌فروشی یا سوداگری) بیشتر است، سرمایه‌ها به سمت نوآوری

و زنجیره ارزش افزوده حرکت نمی‌کنند.

کاهش درآمدهای پایدار و کسری بودجه: نتیجه نهایی، کاهش دور موتور رشد اقتصادی است. دولت که از دریافت مالیات واقعی از دانه‌درشت‌ها ناتوان است، با کسری بودجه مواجه می‌شود و برای جبران آن به روش‌های تورم‌زایا فروش منابع پایدار (نفت و اوراق) روی می‌آورد.

برده چهارم: راهکار عملیاتی: جراحی هوشمند معافیت‌ها

برای خروج از این بن‌بست، صرفاً «لقوم‌معافیت‌ها» کافی نیست، بلکه باید نحوه مصرف منابع حاصل از لغو این معافیت‌ها نیز مدیریت شود تا به توسعه صنعتی منجر گردد. راهکار پیشنهادی در چهار گام کلیدی قابل‌تیین است:

۱. حذف معافیت‌های غیرهدفمند (ساماندهی ورودی): گام اول، حذف معافیت‌های مالیاتی شرکت‌های بزرگی است که دیگر نیازی به حمایت گل‌گلخانه‌ای ندارند (به‌ویژه صادرکنندگان مواد خام و نیمه‌خام).

این شرکت‌ها باید نرخ واقعی مالیات را بپردازند.

۲. تأسیس «صندوق تأمین مالی رایلی توسعه صنعتی»: درآمدهای حاصل از حذف این معافیت‌ها نباید در جاه و جاه هزینه‌های جاری دولت گم شود. پیشنهاد می‌شود نییمی از این درآمدها (۵۰ درصد) مستقیماً به یک صندوق تخصصی تحت عنوان «صندوق تأمین مالی توسعه صنعتی» واریز شود.

۳. اصلاح ساختار بودجه (مدیریت ۵۰ درصد دوم): ۵۰ درصد باقی‌مانده از منابع آزاد شده، باید صرف جبران کسری «بودجه عملیاتی» دولت شود. در حال حاضر، دولت برای پرداخت حقوق و هزینه‌های جاری (بودجه عملیاتی) مجبور است از درآمدهای نفتی استفاده کند. با جایگزین کردن درآمدهای پایدار مالیاتی به جای نفت در بودجه جاری، درآمدهای نفتی آزادی می‌شود. نتیجه اینکه درآمدهای نفتی آزاد شده می‌تواند به جای سوختن در هزینه‌های روزمره، تماماً به سرفصل «بودجه عمرانی» (تملک دارایی‌های سرمایه‌ای) اختصاص یابد و زیرساخت‌های کشور را احیا کند.

۴. هم‌سازی منابع صندوق برای توسعه متوازن: منابع جمع‌آوری‌شده در «صندوق تأمین مالی توسعه صنعتی» باید با استراتژی مشخصی هزینه شود که عبارت است از: تسهیلات حمایتی: اعطای وام‌های کم‌بهره، بلاعوض یا مشارکت در ریسک برای صنایع نوین و دانش‌بنیان.

تمرکز بر مناطق مرزی: اولویت‌دهی به توسعه صنعتی در مناطق مرزی و محروم. این کار علاوه بر توسعه اقتصادی، امنیت پایدار ملی را نیز تضمین می‌کند.

شفافیت و نقشه راه: تخصیص منابع باید سلیقه‌ای باشد. باید براساس یک «نقشه‌راه توسعه صنعتی» مدن و با شفافیت کامل انجام شود تا در مجموع، نظام مالیاتی کنونی ایران با نرخ‌های ۲۵ درصدی بروی کاغذ و ۷ درصدی در عمل برای خواص، نه فقط عادلانه است. بلکه ضد توسعه عمل می‌کند. اصلاح روند نیازمند شجاعت در حذف رانت‌ها و هوشمندی در بازتوزیع منابع است.

طرح پیشنهادی در این یادداشت، یک بازی برد-برد-برد است، به طوری که «دولت با پوشش کسری بودجه عملیاتی از طریق مالیات، توانمند شد و از طرف دیگر، بخش نفت را صرف معاف می‌کند»، «بخش خصوصی واقعی و SMEها با دریافت تسهیلات از صندوق توسعه صنعتی، جان تازه‌ای می‌گیرند، و اقتصاد ملی با هدایت منابع به سمت مناطق مرزی و صنایع با ارزش افزوده، از رشد بازگرایانگیزی (رشد فقط برای بزرگان) به سمت «رونق پایدار و فراگیر، حرکت می‌کند.»

زمان آن رسیده که مالیات از یک ابزار درآمدی صرف، به موتور محرک توسعه صنعتی و عدالت اجتماعی تبدیل شود.

نظام مالیاتی کنونی ایران

بانرخ‌های ۲۵ درصدی بر

روی کاغذ و ۷ درصدی در

عمل برای خواص، نه فقط

ناعدالانه است، بلکه ضد

توسعه عمل می‌کند. اصلاح

این روند نیازمند شجاعت در

حذف رانت‌ها و هوشمندی

در بازتوزیع منابع است

تجارت با بریکس تحریم رامی‌شکند

رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق ارومیه با تأکید بر ضرورت تصمیم‌های فوری ارزی، گفت تالار دوم مبادله می‌تواند سرعت صادرات محصولات فسادپذیر را چند برابر کند و با گسترش تجارت با کشورهای عضو بریکس و شانگهای، فشار تحریم‌ها عملاً ی‌اثر خواهد شد.

در ماه‌های اخیر، هم‌زمان با مطرح شدن دوباره بحث «مکانیسم ماشه» و بازگشت احتمالی برخی فشارهای سیاسی و اقتصادی به کشور، نگاه‌ها بار دیگر به بخش‌های مولد و پیشران اقتصاد معطوف شده است. بخش کشاورزی، که سهم قابل توجهی در اشتغال و تأمین امنیت غذایی دارد، به علت ویژگی‌های خاص خود- از جمله فسادپذیری سریع محصولات و وابستگی شدید به زمان بندی در تأمین ارز- بیش از هر حوزه دیگری در برابر شوک‌های بیرونی آسیب‌پذیر است.

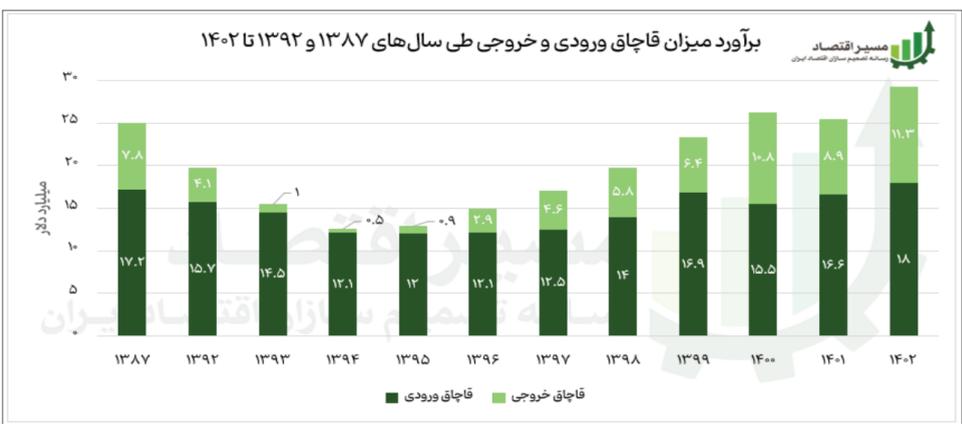
در چنین فضایی، سیاست‌گذاری ارزی، به‌ویژه در قالب ابزارهای جدید بانک مرکزی مانند «تالار دوم مرکز مبادله»، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش هزینه‌ها و تسریع صادرات ایفا کند. هم‌زمان، همکاری اقتصادی و بلوک‌های بین‌المللی نظیر بریکس و سازمان همکاری شانگهای، مسیر تازه‌ای دور زدن تحریم‌ها و حفظ جریان تجارت فراهم می‌آورد؛ مسیری که نیازمند هوشمندی

در بهره‌گیری از ظرفیت تهاتر نفت و کالا و نیز بازیگری جدی در قوانین و سازوکارهای صادراتی است.

بهنام تاج‌الدینی، رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی ارومیه و عضو هیات نمایندگان اتاق ایران در همین ارتباط و در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی خبرگزاری تسنیم ضمن اشاره به تأثیرات محدود مکانیسم ماشه، بر ضرورت اقدامات فوری در حوزه کشاورزی، به شفاف‌سازی نقش تالار دوم ارزی و پیمان‌های منطقه‌ای در رونق صادرات این بخش پرداخته است.

بهنام تاج‌الدینی، رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی ارومیه و عضو هیات نمایندگان اتاق ایران به خبرنگار تسنیم گفت: مکانیسم ماشه مطمئناً بر اقتصاد ایران تأثیر دارد اما میزان این تأثیر اندک است. برای کاهش اثرات مکانیسم ماشه، باید اقتصاد را به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کنیم که به آثار کاهش یابد. همچنین حمایت از تولید ضروری است تا با افزایش تولید و صادرات، اقتصاد رشد کند. وی افزود: تخصص من در حوزه کشاورزی است و برای کاهش تأثیر مکانیسم ماشه بر این بخش، بانک مرکزی باید تخصص ارز را در بخش کشاورزی تسهیل و قوانین صادراتی را ساده‌تر کند تا محصولات کشاورزی بیشتر تولید و صادر شود. بخش کشاورزی بیشترین میزان اشتغال را به خود اختصاص داده و اگر بروکراسی اداری کاهش یابد، این بخش می‌تواند به اقتصاد ایران کمک کند، در شرایط سخت تأثیر مکانیسم ماشه را کاهش دهد و امنیت غذایی کشور را افزایش دهد.

برنامه رئیس جدید ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز چیست؟



رئیس جدید ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز در

سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ نیز در این سمت قرار داشت و این تجربه انتظارات جهت تهیه یک برنامه جامع پنج‌ساله برای مبارزه با قاچاق، و موضوع بند (خ) ماده (۸۵) قانون برنامه هفتم پیشرفت را بالا برده است. برآوردهای آماری نشان می‌دهد که از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۳، میزان مجموع قاچاق ورودی و خروجی ۱۲۷ درصد افزایش یافته است

که ضرورت تحول در مبارزه با این پدیده را نشان می‌دهد. رویکرد رئیس جدید ستاد «تثویق تجارت قانونی» است که به همین منظور، اصلاح مفاد ای قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز که این غرض را نقض می‌کند، اجتناب‌ناپذیر است. رئیس جمهور در تاریخ ۳۰ مهر ۱۴۰۴ طی حکمی حبیب‌الله حقیقی را به عنوان «نماینده ویژه رئیس جمهور در ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز» منصوب کرد. حبیب‌الله حقیقی رئیس جدید ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، در بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ نیز رئیس این ستاد بوده است که

مجددآ در تاریخ ۲۱آبان ۱۴۰۴ مراسم معارفه ایشان برگزار شد. لزوم مسئله‌شناسی پدیده قاچاق با بهره‌مندی نخبگان تجربه پیشین «حبیب‌الله حقیقی» در ریاست ستاد مبارزه

با قاچاق کالا و ارز، انتظارات از ایشان برای تهیه «برنامه جامع پنج‌ساله مبارزه با قاچاق کالا و ارز با هدف کاهش سالانه حداقل ۱۵ درصد قاچاق کالا به تفکیک دسته‌های اجرایی» موضوع بند (خ) ماده (۸۵) قانون برنامه هفتم



دولتمردان نباید کم‌کاری‌های خود را بردوش سایر نهادها و قوا بگذارند

عضو هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه معمولاً دولت‌هایی که در تأمین منابع بودجه موفق نبودند، به بهانه‌گیری روی می‌آوردند، بیان کرد: دولت باید به لایحه‌ای که خود به مجلس داده عمل کند.

علیرضا سلیمی، در گفت‌وگو با خانه ملت، با اشاره به برخی اظهارات دولتمردان که مدعی شدند‌اند مجلس بودجه‌ای تصویب می‌کند که منابع آن موجود نیست، گفت: طرح اینگونه مسائل نشان از آن دارد که گویندگان این قبیل موضوعات، افرادی فنی نیستند. اولاً مفهوم بودجه روشن است؛ لایحه را دولت ارائه می‌دهد و مجلس هم نباید خیلی در آن تغییرات ایجاد کند. نماینده مردم «تهران، ری، شمیرانات و پردیس» با بیان اینکه حداکثر تا ۱۰ درصد تغییرات می‌تواند شکله بودجه را به هم بریزد و لایحه دولت را از ریل خود خارج کند، بیان کرد: این در حالی است که تاکنون مجلس این حد از تغییرات را در لایحه دولت اعمال نکرده و همواره شکله بودجه حفظ شده است.

عضو هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه «دولتمردان نباید کم‌کاری‌های خود را بردوش سایر نهادها و قوا بگذارند»، بیان کرد: معمولاً مشکل از آنجاست که دولت‌ها در تأمین منابع ناتوان می‌مانند؛ حتی منابعی که خودشان پیشنهاد داده‌اند. از سویی دیگر معمولاً دولت‌ها وقتی در میانه سال با مشکلات در منابع مواجه می‌شوند، اصلاحیه بودجه می‌دهند این در حالی است که دولتمردانی که مدعی شده‌اند، تاکنون اصلاحیه بودجه‌ای به مجلس ارائه نکرده‌اند. وی با اشاره به پیش‌بینی «سازگار تخصیص» در بودجه سالانه بیان کرد: باید در نظر گرفتن این سازگار دیگر کسری بودجه معنا و مفهومی ندارد. این نماینده مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه دولت نیز باید کم‌کاری‌های خود در حوزه تأمین منابع را نیز مطرح کند، بیان کرد: در حال حاضر دولت در حوزه درآمد‌های مالیاتی و مولد سازی دارای‌ها دچار عقب‌ماندگی است و باید در این بخش‌ها نیز تلاش بیشتر داشته باشد. عضو هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه معمولاً دولت‌هایی که در تأمین منابع بودجه موفق نبودند، به بهانه‌گیری روی می‌آوردند، بیان کرد: دولت باید به لایحه‌ای که خود به مجلس داده نریز عمل کند. سلیمی در پایان تأکید کرد: دولت اگر به تکلیف قانونی عمل کند، بسیاری از این چالش‌ها به سرعت برطرف می‌شود؛ اما اینکه تا کارآمدی راه به بر گردن نهاد گذار بینندارند، شیوه درستی نیست. مردم انتظار دارند دولت فعالانه عمل کند، نه اینکه دنبال مقصر بگردد.

بانک‌های بنگاه‌دار زیر تیغ اصلاح؛ داریایی‌ها به حراج می‌روند!

بیش از نیمی از داریایی بانک‌ها در حوزه‌هایی غیر از مأموریت اصلی شان متمرکز است؛ از برج‌های نیمه‌تمام گرفته تا سهام شرکت‌های غیربانکی. اقتصاددانان معتقدند این روند، ریشه نابرابری منابع و ناتوانی بانک‌ها در تأمین مالی بخش تولید است.

حدود دو دهه است که پدیده «بنگاه‌داری بانکی» به یکی از جدی‌ترین انحرافات نظام تأمین مالی کشور تبدیل شده است؛ انحرافی که در سکوت تدریجی، بخش بزرگی از منابع سپرده‌گذاران را از مسیر اصلی خود یعنی تولید، اشتغال و سرمایه‌گذاری مولد خارج کرد و به سمت خرید املاک، شرکت‌های غیربانکی و معاملات ساختمانی سوق داد.

بانک‌هایی که باید نقش موتور گردش سرمایه را ایفا کنند، در بسیاری از موارد به جای اعتباردهی به فعالان اقتصادی، خود به بازیگران بزرگ بازار ملک، زمین و سهام بدل شده‌اند. این چرخش مأموریت، نه تنها چرخه تولید و اشتغال را کند کرده، بلکه به بی‌انضباطی مالی، نوسان شدید قیمت داریایی‌ها و حبس نقدینگی در بخش‌های غیرمولد دامن زده است.

اقتصاد، گروگان داریایی‌های منجمد

تحلیل‌گران اقتصادی معتقدند بنگاه‌داری بانکی، عملاً دسترسی تولیدکننده به تسهیلات را محدود و قدرت تسهیلات‌دهی بانک‌ها را کاهش داده است. در حالی که بخش خصوصی برای سرمایه‌در گردش و تأمین نقدینگی با مشکل روبه‌روست، ده‌ها هزار میلیارد تومان منابع شبکه بانکی در قالب املاک و شرکت‌های آقماری را کند مانده است. این انباشت داریایی منجمد، موجب رشد ترازنامه‌های گادب، اما بدون بازده واقعی برای بانک‌ها شده و حتی ثبات نظام پولی را در معرض تهدید قرار داده است. از سوی دیگر، حضور بانک‌ها به عنوان رقیب سرمایه‌دار در بازارهای غیرمولد، موجب به‌هم خوردن نظم رقابت در بازار سرمایه، مسکن و حتی کشاورزی شده است. وقتی بانکی می‌تواند مستقیماً در پروژه‌های ساختمانی یا شرکتهای سرمایه‌گذاری کند، بخش خصوصی عملاً با رقیبی روبه‌روست که هم به تسهیلات ارزان خود دسترسی دارد، هم از نظارت کافئ مضمون‌مانده است، نتیجه چنین وضعیتی، ناترازی مالی و گسترش فعالیت‌های غیرشفاف است. **هندار جانی بانک مرکزی به بانک‌های بنگاه‌دار؛ داریایی‌ها زیر قیمت فروش می‌رود**
در همین زمینه، محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی، در تازه‌ترین اظهارنظر خود با لحنی هشدارآمیز اعلام کرد: «بانک‌هایی که بیش از اندازه در فعالیت‌های بنگاه‌داری بانکی حضور دارند، باید فوراً از این فعالیت‌ها خارج شوند، در غیراین صورت طبق قانون، داریایی‌شان با قیمت‌هایی پایین‌تر از بازار به فروش می‌رسد.» و تأکید کرد: «صندوق ضمانت سپرده‌ها» به‌عنوان ابزار قانونی این فرآیند در نظر گرفته شده است. اظهارات فرزین در واقع توجه افکار انتقاداتی است که سال‌هاست کارشناسان و رسانه‌ها نسبت به تداوم بنگاهداری بانکی مطرح کرده‌اند؛ انتقاداتی که حالا رنگ تصمیم جدی نظارتی گرفته است.

ضرورت بازگشت بانک‌ها به مأموریت اصلی

بر اساس قانون پولی و بانکی، وظیفه اصلی بانک‌ها تجهیز و تخصیص بهینه منابع و هدایت آن به بخش‌های مولد است، اما امانه‌روند بنگاه‌داری، بانک را از یک نهاد واسط مالی به یک فعال اقتصادی تبدیل کرده است که انگیزه سود کوتاه‌مدت دارد نه توسعه پایدار اقتصادی، چنین وضعیتی منجر به افزایش رفتارهای سفته‌بازانه، خلق نقدینگی بی‌پشتوانه و رشد تورم ساختاری می‌شود. کارشناسان پیشنهاد می‌کنند بانک مرکزی، فروش اجباری داریایی‌های غیربانکی را با زمان بندی مشخص و نظارت بر نحوه بازگشت منابع حاصل از فروش به چرخه تسهیلات دنبال کند.

■ سه‌شنبه ۴ آذر ۱۴۰۴

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ چاپخانه: نگار نقش

■ کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸

■ آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶

■ روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹

■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲

■ شماره ۳۳۳۳



عدم تطبیق بودجه ۱۴۰۴ با اهداف واحکام برنامه هفتم

گزارش

مرکز پژوهش‌های مجلس با انتشار گزارشی به ارزیابی عملکرد برنامه هفتم پیشرفت‌تأیایان شهریورماه ۱۴۰۴ پرداخت که براساس آن ارزیابی یک‌ساله از اجرای قانون برنامه هفتم نشان می‌دهد باوجود ایجاد ساختارهای نهادی و نظارتی جدید، هنوز شکاف میان برنامه‌ریزی و اجرا تا حدی پابرجاست.

دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، در گزارش «ارزیابی عملکرد برنامه هفتم پیشرفت‌تأیایان شهریورماه ۱۴۰۴» آورده که نظارت مستمر بر اجرای قانون برنامه هفتم پیشرفت به دستگاه‌های اجرایی ایلاذ شد، با توجه به شکاف تاریخی بین اهداف مصوب و نتایج عملی در برنامه‌های پیشین از اهمیت زیادی برخوردار است. در این گزارش بیان شده که در همین راستا توجه قانون‌گذار در برنامه هفتم به تشکیل نهاد جدید «شورای عالی راهبری برنامه» و انتصاب ناظران اجرایی و مالی دستگاه‌ها، نقطه عطفی در نظام نظارت و ارزیابی عملکرد قانون بودجه محسوب می‌شود.

دولت در پایان شهریورماه ۱۴۰۴ با تکلیف قانونی خود گزارش عملکرد سال اول برنامه هفتم را به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرد. ارزیابی یک‌ساله از اجرای قانون برنامه هفتم نشان می‌دهد که با وجود ایجاد ساختارهای نهادی و نظارتی جدید، هنوز شکاف میان برنامه‌ریزی و اجرا تا حدی پابرجاست. عدم تطبیق بودجه ۱۴۰۴ با اهداف واحکام برنامه و کمبود منابع مالی، ضعف در نظارت و راهبری مؤثر، عدم پایش مناسب گزارش‌های ناظران، تصویب اسناد تدوینی بدون ارزیابی کیفی مناسب و تدوین نامناسب برش‌های سالانه اهداف کمی از مهم‌ترین چالش‌ها هستند که در صورت تداوم می‌توانند دستسپایی به اهداف کلان برنامه را با مشکل مواجه کنند.

در این گزارش بیان شده که هرچند عملکرد شورای عالی راهبری از نظر تشکیل جلسات و پیگیری احکام قابل قبول بوده اما لازم است تمرکز بیشتری بر نظارت مستمر عملکرد دستگاه‌ها و پیبند کیفیت گزارش‌های ناظران داشته باشد. همچنین تهیه گزارش‌های نظارتی مثل ماهه توسط ناظرین اجرایی و مالی، نبودن برنامه سالانه، تقویت ارتباط میان برنامه هفتم و بودجه سنوایی و تغییرریل شورای عالی راهبری برنامه و وظیفه قانونی یعنی بررسی مستمر عملکرد دستگاه‌ها در عمل به تکالیف برنامه‌ای و اتخاذسیاست‌های متناسب با قوت و ضعف این اقدامات و هماهنگ نمودن فعالیت دستگاه‌های اجرایی می‌تواند زمینه‌تحقق اثرخش‌تر اهداف کلان برنامه هفتم را در سال‌های آتی فراهم کند. در بخش یافته‌های کلیدی این گزارش هم تأکید بر نظارت بردستگاه‌ها و گزارش ناظران؛ شورای عالی راهبری اگرچه در تشکیل جلسات (۲۲)

■ سه‌شنبه ۴ آذر ۲۵ November ۲۵

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ چاپخانه: نگار نقش

■ کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸

■ آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶

■ روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹

■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲

■ شماره ۳۳۳۳

دلایل عدم تحقق کامل	تعداد	درصد
عدم پیش‌بینی منابع مالی در بودجه	۷۲	۱۳/۶۹٪
کمبود اراده یا توان مدیریتی	۱۹۱	۳۶/۳۱٪
نیازمند آیین‌نامه یا سایر مقررات	۸۲	۱۵/۵۹٪
ولاسته به سایر احکام برنامه	۳۰	۵/۷۰٪
زمان‌بندی آن نرسیده	۱۷	۳/۲۳٪
اجرای نامناسب	۴۳	۸/۱۷٪
سایر موارد	۹۱	۱۷/۳۰٪

جلسه در یک سال) و پیگیری احکام برنامه فعال بوده، اما تمرکز بیش از حد بر پیاده‌سازی ماده (۱۱۹) (بسته‌های اجرایی) داشته و وظیفه اصلی خود در نظارت مستمر بر عملکرد دستگاه‌ها و پایش گزارش‌های ناظران تا حدی دور شده است.

همچنین عباراتی در گزارش‌های عملکرد برنامه آمده است که به نظری رسد مغایر با روح حاکم برنامه است: «سازمان برنامه و بودجه کشور، صرفاً راهبری و گردآوری گزارش‌ها را برعهده داشته

و مسئولیت مفاد گزارش مذکور برعهده مقامات مذکور می‌باشد». در این گزارش گفته شده که گزارش‌های ناظران اجرایی و مالی صرفاً بر مبنای اظهارات دستگاه اجرایی و عمدتاً فاقد تحلیل و ارزیابی مؤثر از فرآیند اجرایی شدن احکام قانون، تحلیل اثرخشی هزینه‌کرد اعتبارات تخصیص یافته، وضعیت پیشرفت پروژه‌های پیشران و احکام کلیدی به فراخور فصول برنامه به ذیل هر دستگاه اجرایی و موارد حائز اهمیت‌ای از این قبیل می‌باشند.

در این گزارش از این گزارش ذکر شده که به‌رغم تأکید ماده ۱۱۸ قانون برنامه، برنامه سال آینده در مجموعه بسیار حجیم گزارش سالانه دولت وجود ندارد و فقدان این سند مانع از اتقاق نظر دولت و مجلس بر محورهای مشخص برای سال‌آتی است. طبیعی است فقدان این سند، ارزیابی سال آینده را منجرمختل خواهد کرد. در صورت ارائه برنامه سالانه هم ثبات برنامه حفظ و هم انعطاف‌های سالانه ایجاد می‌شود و هم نظارت مؤثرتر خواهد بود و به یک موضوع تشریفاتی تبدیل نخواهد شد.

در این گزارش گفته شده که ارزیابی برش سالانه اهداف نشان می‌دهد که بسیاری از اهداف برای سال اول برنامه، عملاً به گونه‌ای تعیین شده که با عملکرد فعلی مطابقت دارد و تحقق باالی کاذب برای سال اول ایجاد کرده‌است و بخش بیشتری از این تحقق اهداف به سال‌های آخر برنامه اشاره شده‌است و شیب رشد مقدار اهداف کمی در سال‌های آخر بسیار

بالا در نظر گرفته شده است.

در بخش دیگری از این گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس تصریح شده که تکلیف قانون مبنی بر تدوین سند پشتیبان بودجه رعایت نشده‌وسند منتشر شده رانمی‌توان با عنوان سند پشتیبان بودجه پذیرفت. واقعیت آن است که ارتباط منسجم و نظام‌مندی بین قانون برنامه هفتم پیشرفت و قانون بودجه سال ۱۴۰۴ وجود ندارد.

در این گزارش بیان شده که ذی‌حساب‌های دستگاه‌های اجرایی به عنوان ناظر مالی انتخاب شده‌اند که مغایر با هدف قانون‌گذار است.

در ادامه و در بخش یافته‌های کلیدی این گزارش هم بیان شده که در گزارش دولت از احکام غیرقابل اجرا جمعاً ۱۳ حکم معادل ۱۱ درصد از کل احکام قانون برنامه هفتم پیشرفت ذکر شده است. ارزیابی تطبیقی این گزارش با لایحه برنامه هفتم و مصوبه مجلس حاکی از آن است که ۴۰ مورد از ۱۳۸ مورد (معادل ۲۹ درصد) که

از نظر دولت غیرقابل اجرا دانسته شده است، در لایحه دولت وقت به مجلس ارائه شده بوده‌است. از نظر دیگر از ۱۳۸ مورد، ۱۲۲ مورد راه‌دف کمی و ۱۶ مورد از حکم اجرایی تشکیل می‌دهد.

در این گزارش گفته شده که واضح است که تمرکز دولت بر اهداف بوده‌است و ۲۷ درصد از اهداف کمی که مهم‌ترین اهداف موجود در قانون برنامه هفتم هم بوده‌است، غیرقابل اجرا دانسته شده است. با توجه به اینکه اهداف واحکام در تناسب با هم تنظیم شده‌است و دولت

محترم صرفاً اهداف را غیرقابل اجرا دانسته‌ونه احکام متناظر را، می‌توان اینگونه برداشت کرد که هدف عمدتاً نظارت‌گریزی است و نه اصلاح برنامه و واقع‌بینانه کردن آن.

نکته قابل توجه، تمرکز اهداف کمی غیرقابل اجرا در مهم‌ترین فصول قانون برنامه است. ۱۰۰ درصد از اهداف فصل اصلاح ساختار بودجه، ۹۳ درصد از اهداف فصل رشد اقتصادی، ۷۵ درصد از اهداف فصل اصلاح نظام بانکی و مهار تورم و ۷۵ درصد از فصل طرح‌های صنعت، معدن و روش تولید که فصول محوری قانون برنامه هفتم است، غیر قابل اجرا عنوان شده است. در نهایت باید گفت در صورتی که از نظر دولت برخی احکام برنامه در شرایط فعلی قابل تحقق نیست، این احکام باید سریعاً تعیین تکلیف شوند و راه‌حل آن ارائه لایحه اصلاحی از سوی دولت به مجلس شورای اسلامی برای بازنگری، تعدیل یا به‌روزرسانی احکام غیر قابل اجراست. در ادامه این بخش به ارزیابی مجلس شورای اسلامی از عملکرد برنامه هفتم پیشرفت پرداخته شده و آمده که بر اساس اعلام معاونت نظارت مجلس شورای اسلامی و طبق اظهارنظر کمیسیون‌های تخصص مجلس، عملکرد دولت در سال اول اجرای برنامه به ترتیب فصل ۲ (اصلاح نظام بانکی و مهار تورم بانمره ۱۴/۴۷) و فصل ۱ (رشد اقتصادی با نمره ۹/۷/۱۵) دارای کمترین امتیاز و فصول ۲۱ (سیاست خارجی با نمره ۸/۳/۷۵) و فصل ۲۴ (تحول قضائی و حقوقی با نمره ۶/۹۳/۶۶) دارای بیشترین امتیاز از ۱۰ هستند.

در این گزارش گفته شده که با توجه به امتیازات ارزیابی لحاظ شده توسط کمیسیون‌های تخصصی در خصوص عملکرد احکام قانون، در میان دستگاه‌های اجرایی به ترتیب قوه قضاییه، سازمان برنامه بودجه، وزارت نفت و وزارت امور خارجه بهترین عملکرد و بانک مرکزی، فرماندهی نیروی انتظامی، وزارت راه و شهرسازی و وزارت آموزش و پرورش به ترتیب بدترین عملکرد را داشته‌اند.

بخش دیگر این گزارش به نتیجه بررسی مرکز پژوهش‌های مجلس در خصوص عملکرد قانون برنامه هفتم پیشرفت پرداخته و بیان شده که ارزیابی تحقق احکام قانون برنامه در سال اول حاکی از آن است که ۶۹ حکم (۱۳ درصد) کامل انجام شده، ۶۷ حکم (۱۳ درصد) به صورت بیشتر انجام شده، ۲۲۳ حکم (۴۲ درصد) بخشی انجام شده و ۱۷۱ حکم (۳۲ درصد) نیز به طور کلی انجام نشده‌اند.

در ادامه تصریح شده که در سال نخست برنامه هفتم ۳۶.۳۶ درصد از احکام با درجه اهمیت زیاد یا به‌طور کامل اجرا شده یا بیشتر آن انجام شده است؛ اما همین نسبت برای احکام با درجه اهمیت متوسط برابر با ۳۴.۴۴ درصد و برای احکام با درجه اهمیت اندک معادل ۱۹.۱ درصد است؛ بنابراین تلاش دستگاه‌های اجرایی کشور نیز بر اجرای احکام با درجه تأثیرگذاری بیشتر بر چالش‌های اصلی کشور متمرکز بوده‌است. در این چندین روزی در سال اول اجرای آن می‌تواند کارایی اجرای احکام برنامه هفتم ارتقاء دهد و به حل و فصل چالش‌های اصلی کشور ختم شود. در این گزارش آمده که در میان احکام کاملاً انجام شده یا بیشتر انجام شده، سهم احکام دارای بار مالی بیشتر از احکام فاقد بار مالی است و این نشان می‌دهد که در سال به تنهایی نمی‌تواند توضیح‌دهنده‌گاستی‌های اجرایی باشد که در سال نخست اجرای برنامه رخ داده‌است. لذا اراده سیاسی با کمبود توان کارشناسی با ظرفیت‌های اداری از مهم‌ترین دلایل عدم اجرای کامل احکام برنامه در سال نخست آن بوده‌است.

در این گزارش گفته شده که براساس ارزیابی کیفی اسناد تصویب شده می‌توان گفت: ۸۷ درصد از اسناد مصوب با قانون برنامه هفتم و سایر قوانین دائمی انطباق قابل قبولی دارند. ۶۲ درصد از اسناد مصوب کاری لازم برای نیل به اهداف را دارند. در ۸۳ درصد از اسناد مصوب، تسهیم کار نهادی مناسب بین دستگاه‌های اجرایی وجود دارد. در ۲۳ درصد از اسناد مصوب، اتخاذ تصمیمات مهم به تعویق افتاده‌است و به آینده احاله شده‌است.

در بخش پیشنهادات این گزارش هم به ارائه گزارش‌های ۴ ماهه توسط ناظرین اجرایی و مالی به جهت استمرار در نظارت، ارائه برش یکساله برنامه هفتم برای سال ۱۴۰۵ قبل از تهیه لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ و تدوین لایحه بودجه ۱۴۰۵ بر مبنای رویکردها، الزامات واحکام منابع محور قانون برنامه) با توجه به در حال تکالیف برنامه‌ای و اتخاذ سیاست‌های متناسب با قوت و ضعف این اقدامات»، «هماهنگ نمودن فعالیت دستگاه‌های اجرائی»، «نظارت بر گزارش‌های ناظران اجرایی و مالی» و «واقع‌مواقع پایش و رد تحقق تکالیف برنامه» تأکید شده است.

همچنین در این گزارش به تصویب بودجه ۱۴۰۵ در مجلس منوط به انطباق مناسب با تکالیف و اهداف برنامه هفتم و تغییرریل شورای عالی راهبری برنامه به برنامه قانونی یعنی «بررسی مستمر عملکرد دستگاه‌ها در عمل به تکالیف برنامه‌ای و اتخاذ سیاست‌های متناسب با قوت و ضعف این اقدامات»، «هماهنگ نمودن فعالیت دستگاه‌های اجرائی»، «نظارت بر گزارش‌های ناظران اجرایی و مالی» و «واقع‌مواقع پایش و رد تحقق تکالیف برنامه» تأکید شده است.

■ سه‌شنبه ۴ آذر ۲۵ November ۲۵

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ چاپخانه: نگار نقش

■ کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸

■ آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶

■ روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹

■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲

■ شماره ۳۳۳۳

بررسی روند نرخ رشد نقدینگی و رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری نشان می‌دهد در ۵ سال اخیر نرخ رشد نقدینگی همواره کمتر از رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری بوده و همین روند موجب شده نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی به پایین‌ترین سطح در ۳۵ سال اخیر برسد. این کاهش شدید نرخ رشد واقعی نقدینگی نتیجه اجراء سیاست کنترل مقداری ترازنامه بانک‌ها بوده‌است؛ اما در سال ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ سیاست کنترل مقداری ترازنامه برخلاف سال ۱۴۰۲ نتوانست به اهداف خود که همان کاهش نرخ رشد نقدینگی و کاهش نرخ تورم است، برسد، و زبادی در اوسال نهایی از رشد قابل توجهی رانبت کرد و این مسئله منجر به رشد تقاضای ناحیه‌فشار هزینه‌شد. این رشد شدید بهای از تقاضای نقدینگی در اقتصاد را به میزان قابل توجهی افزایش داد و اثراین تقاضای بالایی نقدینگی در نرخ سود در سپرده و بازار بین بانکی نمایان شد. قطعه رشد نرخ از نتیجه یک عامل دینوده و راهکار آن هم یک نسخه نیست، اما به‌طور خلاصه آن‌را بخواهیم به پدیده‌های جهش‌های هر ساله شرح ارز در اقتصاد ایران بپردازیم؛ بدین‌اشاره کنیم که چند عامل باعث جهش‌های هر ساله نرخ از شده‌است که قطعاً یکی از مهم‌ترین آن‌ها اختلال در سیستم تسویه معاملات ارزی است. بعد از آنکه نظام بانکی ایران تحریم‌شد، راهکار یک‌شبه غیررسمی برای تقبل و انتقال ارز بود؛ است. این شبکه غیررسمی که به شرکت‌های تراستی معروف شده‌اند، وظیفه نقل و انتقالات ارز کشور را برعهده دارند و در این میان با توجه به سازوکار شکل گرفته، رشد بهای از منجر به رشد منابع درآمدی این شرکت‌ها می‌شود.



از به سرعت منجر به رشد هزینه تولید آنها خواهد شد. علاوه بر این، رشد نرخ از نیز تنها بهای کالاها تولیدی وابسته به واردات رانحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه به صورت غیرمستقیم‌بهای تمام‌شده تولید کالاهایی که نیازمند واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای وارداتی نیستند را هم رشد خواهد داد. همسختی رشد نرخ از بارشده قیمت کالاها و خدمات در بررسی‌های کارشناسی بانک مرکزی هم گزاره‌ای تأیید شده‌است. حال، در صورتی که رشد تسهیلات دهی بانک‌ها متناسب با رشد هزینه تأمین مالی بنگاه‌ها و متناسب با رشد هزینه سرمایه‌گذاری طرح‌های سرمایه‌دریافت سرمایه‌در گردش هم رشد خواهد کرد. از مرداد ۱۴۰۰ تا مرداد ۱۴۰۴ نرخ از رسمی حدود ۴۳ درصد و نرخ از غیررسمی بیش از ۵۷ درصد افزایش یافته‌است و با توجه به اینکه بخشی از کالاها تولیدی متقاضی مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای وارداتی هستند، این رشد بهای

برای پاسخ به این سه‌سؤال ابتدا باید به این مسئله بپردازیم که آیا رشد نقدینگی متغیری است که به صورت بیرون‌زا و بدون توجه به سایر متغیرها توسط بانک مرکزی تعیین می‌شود یا اینکه بانک مرکزی صرفاً می‌تواند با به‌کارگیری ابزارهایی میزان رشد نقدینگی را مدیریت کند؟ هم در ادبیات پول درون‌باز و هم در واقعیت‌های میدانی عملکرد نظام بانکی این گزاره تأیید می‌شود که آنچه در نرخ رشد نقدینگی تأثیر می‌تواند بدون توجه به تقاضای پول، میزان رشد حجم پول را تعیین کند. در صورت بی‌توجهی بانک مرکزی به مؤلفه تقاضا، نرخ سود بانکی از سطح بهینه خارج شده و به سطوح پایین‌تر یا بالاتر از نقطه بهینه‌قرار می‌گیرد. براساس آخرین آمارها نرخ سود در بازار بین بانکی به دامنه ۲۵ تا ۲۸ درصد هم رسیده‌است و این نرخ نشان‌دهنده کمبود نقدینگی نسبت به تقاضای نقدینگی است. اما این تقاضای نقدینگی از کجا ناشی می‌شود؛ برای پاسخ به این سؤال باید عوامل اصلی تقاضای پول را بررسی کنیم. یکی از متقاضیان اصلی نقدینگی از شبکه بانکی، بنگاه‌های تولیدی برای تأمین سرمایه در گردش هستند. تأمین سرمایه در گردش معمولاً برای خرید مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و هزینه‌هایی تولید کالا استفاده می‌شود و اگر حال به دلیل تورم یا به دلیل رشد بهای ارز، بهای مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای تولید رشد کند، تقاضای بنگاه‌ها برای دریافت سرمایه‌در گردش هم رشد خواهد کرد. از مرداد ۱۴۰۰ تا مرداد ۱۴۰۴ نرخ از رسمی حدود ۴۳ درصد و نرخ از غیررسمی بیش از ۵۷ درصد افزایش یافته‌است و با توجه به اینکه بخشی از کالاها تولیدی متقاضی مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای وارداتی هستند، این رشد بهای